

عرفانی که به اختلاط زن و مرد منجر می‌شود

«عرفان حلقه» اگر چه با نام درمان بیماری‌ها و فرادرمانی و تشعشع دفاعی و جاذبه درمان و شفابخشی، توانسته خود را به ظاهر موجه، نشان دهد اما آسیب‌های روحی و روانی این جریان، فراوان گزارش شده است.



«عرفان حلقه» اگر چه با نام درمان بیماری‌ها و فرادرمانی و تشعشع دفاعی و جاذبه درمان و شفابخشی، توانسته خود را به ظاهر موجه، نشان دهد اما آسیب‌های روحی و روانی این جریان، فراوان گزارش شده است.

به گزارش خبرگزاری فارس، سایت فرهنگ نیوز نوشت: «عرفان حلقه» اگرچه با نام درمان بیماری‌ها و فرادرمانی و تشعشع دفاعی و جاذبه درمان و شفابخشی، توانسته خود را به ظاهر موجه، نشان دهد، اما آسیب‌های روحی و روانی این جریان، فراوان گزارش شده است. همچنین به مرور، گرایش‌های معنوی و اعتقادات دینی در پیروان عرفان حلقه، تضعیف شده و باورهای دینی و اسلامی افراد به صورت مرموزانه‌ای تحریف می‌شود. در بخش نخست این سلسله مقالات به معرفی رئیس عرفان حلقه و آشنایی به اصول و مبانی عرفان حلقه کیهانی پرداختیم [1] در بخش دوم وپایانی آن، با آسیب‌ها و خطرات احتمالی این عرفان، آشنا شده و نیز به تفاوت‌های عرفان حلقه با عرفان اسلامی، اشاره خواهد شد.

اختلافات خانوادگی، بیماری‌های روانی، از عوارض درمان در عرفان حلقه

علاوه بر آسیب‌های اعتقادی که اولین و مهم‌ترین آسیب از سوی فرقه‌ها است، در عرفان حلقه، افراد دچار یک سری آسیب‌ها اعم از جسمی، روانی و... می‌شوند [2]؛ یکی از این آسیب‌ها، آسیب‌ها و اختلافات خانوادگی است. پیروان فرقه عرفان حلقه، خود و اطرافیان را در مقابل رذائل اخلاقی، بدون اختیار، می‌بینند. این گونه افراد از لحاظ اخلاقی دچار مشکل می‌شوند؛ به عنوان مثال، چرا که به فرد القا می‌شود وقتی همسر شما، عصبانی می‌شود، دست او نیست، بلکه جن و موجودات غیرارگانیک، در وجود او رخنه کرده است؛ این امر زمینه تسلیم شدن در برابر رذایل اخلاقی است؛ و نه تنها اصلاحی برای رذایل اخلاقی در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه فرافکنی در این خصوص صورت می‌گیرد و رذیله اخلاقی، به مسائل بیرونی و موجودات غیرارگانیک و اجنه، ربط داده می‌شود. و طرح چنین مسائلی، آسیب‌زا است. فراتر از این، در عرفان حلقه، بحثی به نام هم‌فازی کیهانی وجود دارد یعنی شخص، باید همسر هم‌فازی کیهانی داشته باشد؛ در این عرفان به فرد القا می‌کنند که همسر شما با شما هم‌فاز نیست و با هم خوشبخت نمی‌شوید و با این صحبت‌ها بین همسران، به مرور اختلاف و طلاق، ایجاد می‌شود.

هرچند، برای رهایی و درمان آسیب‌دیدگان عرفان حلقه، انجمن نجات از حلقه به صورت خودجوش و مردمی، در حال فعالیت، می‌باشد اما حجم آسیب‌ها و نگرانی‌های از تبعات احتمالی این عرفان در اختلافات خانوادگی و بیماری‌ها جسمی و روانی، بنابر گفته کارشناسان این امر، بسیار فراوان و نگران‌کننده است و جای توجه بیشتر مسئولین و نخبگان فرهنگی کشور را می‌طلبد.

تشابه فرقه عرفان حلقه ایرانی با فرقه ریگی ژاپن

برخی از کارشناسان عرفان‌های نوظهور، با دقت و مطالعه و بررسی، دریافتند که عرفان حلقه در بیشتر امور، شباهت عجیبی با "فرقه ریگی در ژاپن" دارد. نکته‌ای که ابهام سفر آقای طاهری به کشور ژاپن را نیز، تا حدودی ممکن است، برطرف کند. از میان بیش از 10 مورد شباهت فرقه عرفان حلقه ایرانی با فرقه ریگی ژاپنی، صرفاً، به شباهت و اشتراک این دو فرقه درمانگرا و نوپدید، در عدم اعتقاد به دین و مذهب، اشاره خواهیم کرد.

در عرفان حلقه و نیز در فرقه ریگی ژاپنی، آنچه که دیده می‌شود، این است که برای دریافت نیروی شفابخش به ظاهر الهی، نیازی به اعتقادات خاص یا ایمان به ادیان الهی، نیست و گفته می‌شود: برای دریافت آگاهی، فرقی ندارد، فرد مشرک باشد یا کافر و گناهکار. این دریافت برای همه یکسان است.

این مطلب در فرقه ریگی این گونه بیان می‌شود:

برای درمان این طریق، هیچ گونه ایمان، یا اعتقاد خاصی ضروری نیست. افرادی با مذاهب و ایمان‌های گوناگون، آزاداندیشان و پیروان فلسفه‌ها و جهان‌بینی‌های کاملاً متفاوت، ریگی را با موفقیت یکسانی به کار می‌گیرند. این حقیقت که ریگی

بسیاری از مردم را به درک بهتری از مسائل مذهبی نائل می کند و آنها به تجارب معنوی عمیق تری دست می یابند، حاکی از جهانی بودن ریکی است. [3]

در عرفان حلقه نیز این مطلب تصریح می شود:

عرفان کیهانی (حلقه) نوعی سیر و سلوک عرفانی است که مباحث عرفانی را مورد بررسی نظری و عملی قرار می دهد. از آنجاکه انسان شمول است، همه انسان ها صرف نظر از نژاد، ملیت، دین، مذهب و عقاید شخصی، می توانند جنبه نظری آن را پذیرفته و جنبه عملی آن را مورد تجربه و استفاده قرار دهند.

درواقع، طاهری راه نجات انسان ها را در اتصال به این حلقه دانسته و هیچ عاملی را در ایجاد اتصال، شرط نمی داند. در عرفان کیهانی (حلقه)، عوامل انسانی، خصوصیات فردی، شرایط جغرافیایی و اقلیمی، امکانات و توان های فردی و... نقشی در ایجاد اتصال و دریافت های ماورایی ندارند:

هر انسانی صرف نظر از نژاد، ملت، دین و مذهب، تحول خواه و کمال پذیر بوده، می تواند در صراط مستقیم قرار بگیرد.

در عالمی که طاهری "لاتضاد" می خواند و مراد او دنیای پس از مرگ است، رحمانیت و عدل خدا معنا ندارد. او می گوید: ما به هستی معنا دادیم! ما نباشیم هستی نیست!

با دقت در مطالب طاهری، باطل بودن آن مشخص می شود؛ چراکه طریق مشترک برای کافر و مؤمن، آن هم بدون مقدمه و خودسازی در مسیر کمال، اجتماع نقیضین است، وی از یک سو عرفان خود را همان صراط مستقیم می داند. از سوی دیگر، هیچ ملاک ایمانی یا عمل صالح برای این اتصال قائل نیست. درحالی که این تمایز بین مؤمنان و کفار در قرآن وجود دارد و در مقابل صراط مستقیم، صراط جحیم نیز آمده است. در اینجا لازم است مقایسه ای بین صراط مستقیم طاهری، که همان اتصال به شبکه شعور کیهانی است، با تفسیری که در قرآن کریم از صراط مستقیم ارائه می کند، بیان کنیم. آن گونه که از بررسی آیات قرآن مجید برمی آید صراط مستقیم، همان آیین خداپرستی و دین حق و پایبند بودن به دستورات خداست. چنان که قرآن می فرماید: قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ [4] بگو خداوند مرا به صراط مستقیم هدایت کرده، به دین استوار، آیین ابراهیم که هرگز به خدا شرک نورزید. همچنین می فرماید: أَلَمْ أُعْهِدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ؛ [5] ای فرزندان آدم مگر با شما پیمان نبستم که شیطان را پرستش نکنید و مرا پرستش کنید. این همان صراط مستقیم است. در اینجا به جنبه های عملی آیین حق اشاره شده که نفی هرگونه کار شیطانی و عمل انحرافی است. به گفته قرآن، راه رسیدن به صراط مستقیم پیوند و ارتباط با خدا است وَمَنْ يَعْتَصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ. [6]

راه مستقیم همیشه یک راه بیش نیست؛ زیرا میان دو نقطه، تنها یک خط مستقیم وجود دارد که نزدیک ترین راه را تشکیل می دهد. بنابراین، اگر قرآن می گوید: صراط مستقیم، همان دین و آیین الهی در جنبه های عقیدتی و عملی است، این فرض باطل است که صراط دیگری وجود داشته باشد که از دید طاهری جنبه رحمانیت عام الهی و اتصال به شبکه به اصطلاح شعور کیهانی است و فارغ از اعتقاد و انجام عمل صالح باشد. به همین دلیل، دین واقعی یک دین بیشتر نیست: إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ؛ [7] دین در نزد خدا اسلام است. [8]

همچنین روایاتی که در منابع اسلامی در این زمینه وارد شده و هریک به زاویه ای از این مسئله اشاره کرده، همه به یک اصل بازمی گردد. از جمله، از پیامبر صلی الله علیه و آله چنین نقل شده است: الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِيمُ صِرَاطُ الْأَنْبِيَاءِ وَ هُمُ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ؛ [9] صراط مستقیم راه پیامبران است و همان ها هستند که مشمول نعمت های الهی شده اند.

از امام صادق علیه السلام می خوانیم که در تفسیر آیه اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ فرمود: الطريق و معرفة الامام؛ [10] منظور راه و شناخت امام است. در حدیث دیگری از همان امام نقل شده: و الله نحن الصراط المستقیم؛ [11] به خدا سوگند ماییم صراط مستقیم. در حدیث دیگری باز از آن حضرت می خوانیم که فرمود: صراط مستقیم؛ امیرمؤمنان علی علیه السلام است. [12]

درحالی که طاهری اصولاً توسل و تمسک به امامان معصوم علیهم السلام را نوعی شرک به خدا می داند و قطعاً صراط مستقیم او از مسیر اهل بیت علیهم السلام عبور نمی کند. تمام این معانی، بازگشت به همان دین و آیین الهی در جنبه های اعتقادی و عملی است. دین، هم دارای اعتقاد است و هم انجام عمل صالح. درحالی که طاهری، اتصال به شبکه شعور کیهانی، یا همان صراط مستقیم خود را فارغ از هرگونه اعتقادی و عمل صالحی می پندارد:

در عرفان کیهانی عوامل انسانی، خصوصیات فردی،... نقشی در ایجاد اتصال و دریافت های ماورایی ندارد (مثل سن، استعداد، ریاضت، سعی و کوشش و...) هر انسانی صرف نظر از نژاد، ملیت، دین و مذهب تحول خواه و کمال پذیر بوده، می تواند در صراط مستقیم قرار بگیرد. 15

لازم به ذکر است که این مقاله، درصدد بیان ابطال دو ادعای مهم طاهری، است؛ ادعای اول اینکه، تمام مباحث عرفانی به او وحی شده و الهاماتی است که از سوی خداوند به وی صورت پذیرفته و این مباحث را از جایی اقتباس نکرده است. و ادعای دوم اینکه: او درصدد بیان عرفان اصیل ایرانی - اسلامی است. در این مقاله برای رد ادعای اول، به چهارده مورد از مشترکات عرفان حلقه با فرقه ریکی بیان میشود که نشان می دهد این مباحث وحی الهی به طاهری نبوده است و دقیقاً ترجمه مطالب در مکاتب دیگر و از جمله فرقه ریکی است. همچنین، این همه شباهت، کذب ادعای دوم او را نیز اثبات می کند و مشخص می کند که نه تنها عرفان او اسلامی نیست، بلکه مخالف قرآن بوده و غیرالهی بودن آن را بدیهی است.

تفاوت های عرفان حلقه با عرفان اسلامی

بعد از ذکر آنچه مطالعه فرمودید، برای اثبات تفاوت عمیق عرفان حلقه با عرفان اسلامی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

1- نادیده گرفتن نقش دین در سلوک معنوی در عرفان حلقه، در دهه 80، رئیس عرفان حلقه، با انتشار بیانیه ای، رسماً جهانی شدن مکتبش را بین اعضای خود اعلام کرد و در این بیانیه، چنین آمده بود: تا مسلمان، مسلمان بهتری، مسیحی یک مسیحی بهتری، یهودی یک یهودی بهتری، سرخ پوست یک سرخ پوست بهتری باشد، که البته این خود بزرگترین خطر برای ادیان الهی، محسوب میشود. به طوری که حساسیتی وجود ندارد که شخص، مسلمان باشد یا یهودی یا سرخ پوست. از آنجا که اگر تحت رحمت عام خدا قرار بگیرید، کافی است. ! شخص، در هر دینی و مذهب که باشد، مهم نیست، مهم اعتقاد به شعور کیهانی است و بس!

2- موحد پنداشتن شیطان در این عرفان، از نظر عرفان حلقه، شیطان نقش مثبتی در عالم خلقت دارد که خداوند در قرآن، عکس این امر را فرموده است.

3- شریعت ستیزی در عرفان حلقه

4- اختلاط زن و مرد در عرفان کیهانی

5- ارتباط شدید و توجه دادن به قدرت برتر اجنه، در حالیکه در حالت عادی، ارتباط با این موجودات در اسلام، نهی شده است؛ البته، نهی اسلام به معنای عدم کارایی ارتباط انسان با اجنه نیست، و ممکن است این ارتباط به درمان ظاهری، نیز منجر شود، بلکه نگاه اسلام نگاهی هزینه-فایده ای است؛ بنابراین، ممکن است ارتباط با اجنه، منفعت هایی برای انسان ها داشته باشد ولیکن ضرر آن بیشتر است. همانطور که در خصوص شراب می فرماید: منافعی برای مردم دارد ولیکن ضرر آن بیشتر از منفعت است و ضرر بیشتر شراب، مانع استعمال و استفاده از آن می شود. جنیان، یکی از مخلوقات الهی هستند که در کنار انسان ها زندگی می کنند. حکمت الهی اقتضا نموده که ما قادر به دیدن آن ها نیستیم. منتهی این بدان معنا نیست که هیچ ارتباطی میان عالم ما و آن ها نباشد. آن طور که در روایات شیعه آمده است، میان عالم انسان ها و جنیان حجابی قرار گرفته که جنیان بدون اذن الهی نمی توانند آن را مخدوش نموده و با انسان ها ارتباط گرفته و در زندگیشان دخالت کنند. ولی اگر انسانی روزنه ای در این حجاب ایجاد کند، ممکن است به عواقبی گرفتار شود. عواملی که باعث ایجاد چنین روزنه هایی می شوند بسیار است که باید سعی شود تا حد ممکن، رعایت شود و در صورت گرفتار شدن با آزار و اذیت شیاطین با رعایت دستورات و احکام دینی، خطرات را از خود دور نمایند.

6- در عرفان حلقه آموزه های وحیانی و تعالیم دینی حداکثر مؤید عرفان اند نه مصدر و زیربنای آن لذا آیات قرآن و روایات در حد شاهد و قرینه مطرح می شوند و نه دلیل.

7- در عرفان حلقه اعتقادات و مناسک دینی مانند نماز و خمس، که از ارکان و ضروریات اسلام است کنار گذاشته شده و از اسلامی که ساخته خودشان است، سخن می گویند. در اساس نامه عرفان حلقه آمده که عرفان حلقه در بخش اساسی رובنای فکری انسان ها که شامل اعتقادات و مراسم و مناسک است، مداخله ای ندارد. [13]

8- اعضای اصلی عرفان حلقه خود را واسطه تفویض حلقه های رحمت عام الهی و حافظان حلقه ها معرفی می کنند و به بهانه بی نیازی رحمت عام الهی از عوامل اضافه، ارتباط با پیامبر و اهل بیت و زیارت را نفی می کنند. تنها راه اتصال به خدا را مرکزیت عرفان حلقه و اساتید فرقه معرفی می کنند و بدین طریق مخاطبین خود را از دامان پاک اهل بیت خارج می سازند. [14]

9- عرفان حلقه، برای انبیا عصمتی، قائل نیست؛ شفاعت و توسل به اهل بیت را قبول ندارد؛ نظیر این سخنان، در فرقه وهابیت نیز وجود دارد.

10- در عرفان حلقه، رئیس شعور کیهانی (طاهری)، سلسله رسالت الهی (خداوند، پیامبران و امامان) را قبول ندارد و معتقد است که اگر اتصالی قرار است، اتفاق بیفتد، باید از طریق روح القدس -روح الامین یا جبرئیل- صورت بگیرد! هرچند طاهری،

هرگونه واسطه بین انسان و خدا را شرک می داند، اما خود را واسطه بین افراد و شبکه شعور کیهانی، قرار می دهد و این کذب ادعای او را مبنی بر اسلامی بودن عرفانش نمایان می سازد. اصولاً سؤالی که طاهری تاکنون به آن پاسخ نداده، این است که چرا فقط شخص وی این قدرت را تفویض می کند؟ آیا او یک واسطه همانند سایر واسطه ها در احضار یا تسخیر موجودات دیگر نیست؟ اگر واسطه اتصال به شبکه شعور کیهانی، به طور کلی منتفی است، پس وی نیز نباید واسطه باشد.

11- اصل اول اساسنامه عرفان حلقه که اذعان دارد: عرفان حلقه جهان، شمول است و هر کسی با هر اعتقاد، نژاد، قوم و دین و مذهب، می تواند در این عرفان حضور داشته باشد؛ به عبارت دیگر در این عرفان، فرد بی دین یا مسلمان، فرقی ندارد. در حالیکه، در قرآن، دین و شریعت خدواند، اسلامی معرفی شده است و هم انسان ها، به اسلام به عنوان آخرین دین و دستور الهی دعوت شده اند.

یکی از ترفندهای بنیان گذار عرفان حلقه (محمدعلی طاهری) برای موجه نشان دادن آموزه های انحرافی خود، استفاده از آیات قرآن است، او با زیرکی برای جذب مخاطب مسلمان خود، آیات قرآن را دست آویز قرار داده و با تفسیرهای غلط، قصد دارد عقاید انحرافی خود را با کلام الهی تایید کند.

نکته پایانی

«عرفان حلقه» اگر چه با نام درمان بیماری ها و فرادرمانی و تشعشع دفاعی و جاذبه درمان و شفابخشی، توانسته خود را به ظاهر موجه، نشان دهد، اما آسیب های روحی و روانی این جریان، فراوان گزارش شده است. همچنین به مرور، گرایش های معنوی و اعتقادات دینی در پیروان عرفان حلقه، تضعیف شده و باورهای دینی و اسلامی افراد به صورت مرموزانه ای تحریف می شود. عرفان حلقه، "معنویت بدون شریعت اسلامی" را ترویج می کند. اما از آنجا که «عرفان حلقه» داعیه دین را دارد و خود را یک عرفان اسلامی-ایرانی می داند و به آموزه های خود لعاب آیات قرآن می بخشد. خطر این نوع عرفان، از عرفان های وارداتی دیگر، خیلی بیشتر است و ضروری است درباره آن آگاهی و اطلاع رسانی، بیشتری صورت گیرد.

البته هرچند، برای رهایی و درمان آسیب دیدگان عرفان حلقه، انجمن نجات از حلقه به صورت خودجوش و مردمی، در حال فعالیت، می باشد اما حجم آسیب ها و نگرانی های از تبعات احتمالی عرفان حلقه در اختلافات خانوادگی و بیماری ها جسمی و روانی، بنابر گفته کارشناسان این امر، بسیار فراوان و نگران کننده است و جای توجه بیشتر مسئولین و نخبگان فرهنگی کشور را می طلبد.

برای مشاهده فیلم اینجا کلیک کنید.

[1] فرهنگ نیوز | در زیر پوست «عرفان حلقه» چه می گذرد؟ + تصاویر

[2] نسیم، شماره 963671، در تاریخ 08/10/93

[3] باگینسکی و شارامون، 1386، ص 29

[4] سوره انعام- آیه 161

[5] سوره یس- آیات 60 و 61

[6] سوره آل عمران- آیه 101

[7] سوره آل عمران- آیه 19

[8] مکارم شیرازی و دیگران، 1374، ص 50

[9] حویزی، 1415 ق، ص 20

[10] همان

[11] همان ص 21

[12] همان

[13] کتاب عرفان کیهانی، ص 71

[14] نسیم، شماره 951566، در تاریخ 04/09/93